

اشتغال، بیکاری و توسعه در ایران

جعفر عبادی*

بیکاری به عنوان عارضه ای که باعث عدم استفاده از نیروی فعال و قابل کار می باشد، بیماری است مزمن که همانند پدیده تورم خوشایند هیچ گونه اقتصادی نمی باشد. بیکاری و علی الخصوص بیکاری در شهرها بیماری است مزمن که گریبانگیر اکثر کشورهای در حال توسعه می باشد. خطرناکتر از مسئله بیکاری عارضه بیکاری پنهان اشتغال کاذب یا غیرمولد می باشد که برای اقتصاد کشورهای در حال توسعه مخرب تر از پدیده بیکاری است. چرا که ضرری که از بیکاری یک نفر به جامعه می خورد محرومیت جامعه از استفاده از نیروی کار اوست، ولی ضرری که از اشتغال این فرد در مشاغل کاذب و غیرمولد به جامعه خواهد خورد نه تنها محرومیت جامعه از نیروی کار مفید اوست بلکه ضررهایی است که بواسطه فعال شدن این نیروی کار در مشاغل غیرمولد خواهد خورد. بیکاری در کشور ما هم در حال حاضر مانند سایر کشورهای در حال توسعه (جهان سوم) گریبانگیر اقتصاد می باشد. دلائل ریشه ای و زیربنایی بیکاری در عین حال که در کلیت خود در اکثر کشورهای جهان سوم از یک قانون بندی عام پیروی می نماید برای هر کشور نیز دلائل خاص خود را دارا می باشد. در این مقاله سعی خواهد شد که با توجه به نکته فوق بطور خلاصه و اجمالی مجموعه ای از عواملی که باعث بروز رشد پدیده بیکاری در اقتصاد ایران شده است بررسی گردد. جهت انجام این مقصود عمدتاً بیکاری شهری مدنظر خواهد بود. دلیل عمده این امر این است که بیکاری مناطق روستایی بواسطه مهاجرت نیروی کار از روستا به شهر به مناطق شهری منتقل شده و نهایتاً بصورت بیکاری شهری متبلور می شود و این امر نیز بواسطه ساخت دوگانه اقتصاد صورت می گیرد. در این مقاله سعی خواهد شد که ثابت شود دلیل اصلی بیکاری یعنی عدم توان اقتصاد در ایجاد اشتغال مکفی ریشه در ساخت اقتصادی شکل گرفته در قبل از انقلاب اسلامی دارد. علاوه بر این، نشان داده خواهد شد تحولات ناشی از انقلاب و جنگ تحمیلی در تشدید این امر مؤثر می باشد. سپس با توجه به این امر پیشنهادی برای طراحی بلند مدت استراتژی توسعه جهت رفع این نقیصه خواهد شد. قبل از این کار لازم است تعریف مختصر از یک اقتصاد دوگانه داده شود و نحوه بررسی مسئله بیکاری و اشتغال در چنین اقتصادی توضیح داده شود.

وقتی صحبت از اقتصاد دوگانه می شود مقصود این است که ساخت اقتصادی همگن نمی باشد و غالباً مقصود بر این است که اقتصاد از دو بخش تشکیل یافته است. یک بخش که عمدتاً بخش روستایی است دارای اقتصاد سنتی باشیوه تولید عقب مانده و بهره وری

سرانه پائین و بخش دیگر که عمدتاً " شهری است دارای اقتصادی مدرن یا بهتر بگوئیم " شبه مدرن " باشیوه تولید پیشرفته نسبت به بخش دیگر و بهره‌وری سرانه بسیار بالاتر از بخش دیگر. در چنین ساخت اقتصادی وقتی مسئله میکاری و اشتغال باید مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد مناسب‌تر است که این دو مسئله در هر کدام از این بخش‌ها بطور جداگانه مد نظر قرار گیرد تا این که این امر در کل اقتصاد یکپارچه مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. به عبارت دیگر باید دو بازار کار مجزای روستایی و شهری که بواسطه امر مهاجرت به یکدیگر متصل می‌شوند جهت تجزیه و تحلیل استفاده شود تا یک بازار کار برای کل اقتصاد. دلیل این امر نیز بواسطه ماهیت متفاوت اقتصاد در این دو بخش و اهمیت امر مهاجرت در امر تعادل و عدم تعادل بازار کار در این دو بخش است. بنابراین زمینه اصلی بحث در این بررسی نیز بر این متد استوار خواهد بود. چرا که اقتصاد ایران دارای ساختی است دوگانه که عمدتاً " طی سالهای بعد از ۱۳۴۰ طراحی شده و شکل گرفته است. بنابراین در این قسمت عمدتاً " به بررسی شکل‌گیری این ساخت دوگانه و بررسی مسئله بیکاری طی سالهای ۵۵ - ۱۳۴۵ پرداخته خواهد شد تا از این مسیر ریشه اصلی و زیربنای شکل‌گیری این گونه ساخت اقتصادی روشن گردد. و سپس به بررسی مسئله بیکاری پس از سالهای ۱۳۵۵ پرداخته خواهد شد.

۱ - اشتغال و استراتژی توسعه در سالهای ۵۵ - ۱۳۴۵

استراتژی رشد و توسعه انتخاب شده برای ایران پس از ۱۳۴۰ به پیروی از سیاستهای رژیم وابسته پهلوی و به عنوان توجیهی جهت اجرای مقاصد استعماری، راه توسعه کشورهای صنعتی غرب بود. بدین نحو که محور این استراتژی یا سیاست توسعه انتقال نیروی کار از بخش روستایی یا سنتی به بخش شهری از طریق افزایش فرصت‌های اشتغال در بخش شهری بود. نرخ افزایش فرصت‌های شغلی نیز در بخش شهری عمدتاً " توسط تجمع سرمایه‌ها در بخش صنعت تأمین می‌شد. یعنی نرخ افزایش فرصت‌های شغلی تابعی بوده است از تجمع سرمایه‌ها در بخش صنعت. بنابراین توجهات این استراتژی، با سرمایه‌گذاری مکفی در بخش مدرن (یا شهری) و توسعه مکفی صنایع و در نتیجه ایجاد فرصت‌های کافی برای اشتغال نیروی کار جابجا شده از روستاها، نیروی کار اضافی در روستاها جذب این صنایع شده و نیروی کار لازم جهت رشد و توسعه صنایع فراهم می‌شد. یعنی هدف ظاهراً " این بود که با رشد سرمایه‌گذاری در بخش مدرن یا شهری (بواسطه توسعه صنایع) علاوه بر آن که فرصت‌های مکفی جهت جذب نیروی کار اضافی در بخش سنتی ایجاد می‌شد بلکه موجبات مدرن‌نمودن شیوه‌های تولید در بخش سنتی فراهم می‌آمد و ساخت اقتصادی این بخش نیز تغییر می‌نمود و بسوی یک ساخت اقتصادی باشیوه تولید پیشرفته تغییر می‌کرد.

نگاهی به هدفهای رشد بخش‌ها در برنامه چهارم و پنجم عمرانی ایران حاکی از این است که در هر دو برنامه اولین اولویت مربوط به بخش صنایع و آخرین اولویت مربوط به بخش کشاورزی بوده است^۱. همچنین بررسی تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در کارگاههای صنعتی کشور نیز بیانگر این مطلب می‌باشد. یعنی سهم کارگاههای بزرگ و کوچک صنعتی شهری از ۷۰/۸ درصد کل تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در تمام کارگاهها در سال ۱۳۴۵ به ۹۸/۷ درصد در سال ۱۳۵۳ می‌رسد. همچنین سهم کارگاههای صنعتی کوچک روستایی در شکل سرمایه ثابت ناخالص از ۲۹/۲ درصد در سال ۱۳۴۵ به ۱/۳ درصد در سال ۱۳۵۳ کاهش پیدا می‌کند^۲. نگاهی به دیگر آمار و ارقام و هدفهای برنامه‌های چهارم و پنجم عمرانی کشور تماما "حاکی از اجرای سیاست مذکور است. به عبارت دیگر در نتیجه اجرای این سیاست درصد جمعیت شاغل در بخش صنعت از ۲۶/۵ درصد کل شاغلین در سال ۱۳۴۵ به ۳۴/۲ درصد در سال ۱۳۵۵ افزایش پیدا می‌کند. در حالی که درصد جمعیت شاغل در بخش کشاورزی از ۴۷/۵ درصد کل شاغلین در سال ۱۳۴۵ به ۳۴ درصد در سال ۱۳۵۵ می‌رسد و این نسبت برای بخش خدمات از ۲۴ درصد در سال ۱۳۴۵ به ۳۰/۹ درصد در سال ۱۳۵۵ می‌رسد. یعنی در قبال ۱۳/۵ درصد کاهش درصد شاغلین در بخش کشاورزی فقط ۷/۷ درصد به جمعیت شاغل در بخش صنعت جذب شده‌اند و بقیه به بخش خدمات منتقل شده‌اند^۳.

امروزه دیگر جای تردید نیست که سیاست تحمیلی مزبور بر اقتصاد ایران نتوانست اهدافی را که جهت توجیه آن گفته می‌شد برآورده نماید. یعنی بخش صنعتی نتوانست مهاجرین روستایی به اندازه کافی اشتغال ایجاد نماید. شیوه تولید در بخش کشاورزی و سنتی تغییر نیافت و موجبات افزایش تولیدات کشاورزی فراهم نیامد بلکه واردات در طول سالهای اجرای برنامه چهارم و پنجم افزایش یافت و تولید محصولات کشاورزی کاهش یافت. رشد صنایع نیز رشدی مطلوب در جهت افزایش اشتغال و مناسب با وضعیت کشور نبود بلکه رشدی وابسته بود که عمدتاً "صنایع مونتاژ رونق پیدا نمودند.

شکل‌گیری بازار کار در این دوره نمی‌توانست مستقل و مجزا از شکل‌گیری کل اقتصاد مطرح شود. بنابراین اثرات اجرای چنین سیاست‌هایی را می‌توان در عرضه و تقاضای نیروی کار

۱ - خلاصه برنامه چهارم - قسمت اول کلیات اقتصادی - فصل سوم / برنامه پنجم عمرانی

کشور. فصل چهارم.

۲ - جدول شماره ۲ گزارش ویژگیهای اشتغال صنعتی - آقای احمد خزاعی - دفتر جمعیت

و نیروی انسانی وزارت برنامه ریزی بودجه.

۳ - سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۵۵ - کل کشور - جدول ۵ - ۳.

در این دوره مشاهده کرد و سپس تشکل بازار کار و از آن مسیر ریشه‌های بیکاری، اشتغال کاذب و بیکاری پنهان را جستجو نمود و مورد کندو کاو قرار داد. برای انجام این مقصود همانطور که قبلاً "عنوان شد بواسطه ساخت دوگانه اقتصادی در ایران در هر تجزیه و تحلیل مربوط به مسائل در بازار کار باید بازار کار روستایی و شهری جداگانه دیده شده و مورد بررسی قرار گیرد - شیوه بررسی جهت شناخت بازار کار عبارتست از شناخت عرضه و تقاضای نیروی کار تا از این مسیر بیکاری نحصل شناخته شود. چرا که علت بیکاری به این نحو در افزایش عرضه نیروی کار بر تقاضای نیروی کار دیده می‌شود و دلائلی که باعث کمی رشد تقاضا برای نیروی کار و یا افزایش رشد عرضه نیروی کار شناخته می‌شود آنها می‌شوند که ریشه‌های مسئله بیکاری را تشکیل خواهند داد.

الف - تقاضای نیروی کار

جمعیت شاغل در هر مقطع از زمان بشرط آن که عرضه نیروی کار از تقاضای نیروی کار کمتر نباشد می‌تواند بیانگر مقدار تقاضا برای نیروی کار باشد. چون هر فرصت جدید ایجاد شده شغلی توسط یک نفر از خیل عرضه‌کنندگان نیروی کار اشغال می‌شود. تقاضا برای نیروی کار نیز عمدتاً "تابعی است از شیوه تولید. بنابراین بررسی ترکیب تقاضا برای نیروی کار نمی‌تواند جدای از ساخت اقتصادی تولید مطرح گردد. یعنی جهت‌گیری‌ها و سیاست‌های حاکم بر کل اقتصاد را می‌توان در ترکیب تقاضا برای نیروی کار یا در ترکیب اشتغال در بخش‌ها و فعالیت‌های مختلف تولیدی مشاهده نمود. آنچه از بررسی ترکیب اشتغال و یا به عبارت دیگر تقاضای نیروی کار در دوره ۵۵ - ۱۳۴۵ بدست می‌آید این است که جهت‌گیری اقتصاد در این دوره برفع مناطق شهری و به‌ضرر مناطق روستایی و به‌نفع فعالیت‌های خدماتی و به‌ضرر فعالیت‌های تولیدی بوده است. چنانچه با توجه به جدول ۱ معلوم می‌شود که از ۱۶۸۳۶۳۳ نفر شغل تقاضای جدید ایجاد شده در کل کشور در دوره ۵۵ - ۱۳۴۵ حدود ۸۹ درصد آن متعلق به شهرها و فقط ۱۱ درصد آن متعلق به مناطق روستایی بوده است. همچنین توجه به افزایش تقاضای جدید نیروی کار در این دوره برای فعالیت‌های مختلف اقتصادی بیانگر این مطلب است که فعالیت‌های خدماتی بیشترین رونق را داشته است و در نتیجه بیشترین تقاضا را برای نیروی کار ایجاد کرده است چرا که حدود ۵۶ درصد از مشاغل ایجاد شده در این دوره مشاغل مربوط به فعالیت‌های خدماتی بوده‌اند. یعنی از ۱۶۸۳۶۳۳ شغل ایجاد شده حدود ۹۴۶۴۷۵ شغل مربوط به فعالیت‌های خدماتی بوده‌اند - همچنین پس از خدمات، فعالیت‌های مربوط به امور ساختمان، صنعت و استخراج معادن

در این دوره به ترتیب بیشترین تقاضا را برای نیروی کار ایجاد نموده و تولید شغل کرده‌اند. تنها فعالیتی که در این دوره کاهش تقاضا برای نیروی کار داشته و نه تنها از رونقی برخوردار نبوده بلکه دچار رکود بوده است فعالیت‌های مربوط به کشاورزی است که حدود ۳۸۸۱۵۴ نفر از شاغلین آن کاسته شده است. بنابراین مشاهده می‌شود که در کل کشور رشد تقاضا برای نیروی کار در فعالیت‌های صنعتی فقط ۲۲ درصد از کل رشد تقاضا را تشکیل می‌دهد. یعنی از کل مشاغل ایجاد شده در این دوره فقط ۲۲ درصد آن متعلق به فعالیت‌های صنعتی بوده است. بنابراین مشاهده می‌شود که جهت‌گیری اقتصاد در کل به نفع فعالیت‌های خدماتی و به ضرر فعالیت‌های تولیدی بوده است. همچنین با توجه به تقسیم مشاغل ایجاد شده در فعالیت‌های مختلف اقتصادی در این دوره بین مناطق شهری و روستایی مشاهده می‌شود که فعالیت‌های خدماتی در شهرها نیز نسبت به سایر فعالیت‌ها بیشترین تقاضا را برای نیروی کار داشته‌اند و بیشترین شغل را ایجاد نموده‌اند. یعنی از ۱۵۰۲۳۴۱ نفر شغل تقاضای جدید برای نیروی کار در مناطق شهری در دوره ۵۵ - ۱۳۴۵ حدود ۶۳ درصد آن مربوط به فعالیت‌های خدماتی بوده است. پس از خدمات فعالیت‌های مربوط به امور ساختمانی، صنعت، استخراج معادن، کشاورزی و برق، و گاز و آب قرار دارند که به ترتیب ۲۰ درصد، ۱۱ درصد، ۳ درصد و ۲ درصد از تقاضای کار ایجاد شده در مناطق شهری در دوره ۵۵ - ۱۳۴۵ را در اختیار گرفته. با توجه به جدول شماره ۱ مشخص می‌شود که ترکیب تقاضا برای نیروی کار در مناطق شهری کاملاً " بسود فعالیت‌های خدماتی بوده تا فعالیت‌های صنعتی و تولیدی به عبارت دیگر نیروی کار منتقل شده از مناطق روستایی به مناطق شهری عمدتاً " جذب فعالیت‌های خدماتی شده‌اند تا فعالیت‌های تولیدی یعنی توسعه صنعتی به نحوی که مدنظر اهداف برنامه چهارم و پنجم از نقطه نظر جذب نیروی کار اضافی منتقل شده از روستا بوده عملی نشد. فعالیت‌های صنعتی همانطور که عنوان شد فقط توانست حدود ۱۱ درصد از نیروی کار منتقل شده از روستاها را به خود جذب نماید. برای بیشتر روشن شدن موضوع بهتر است روند تغییرات تشکیل سرمایه ثابت در کارگاه‌های صنعتی کشور مورد بررسی قرار گیرد^۱. با وجود این که تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در کارگاه‌های بزرگ صنعتی کشور از ۵۷۷۱ میلیارد ریال در سال ۱۳۴۵ به ۵۴۵۷۱ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۳ افزایش یافته است. تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در کارگاه‌های کوچک صنعتی کشور از ۴۲۷۹ میلیارد ریال در سال ۱۳۴۵ به ۲۰۰۰ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۳ کاهش یافته است. در این بین سهم کارگاه‌های بزرگ از تشکیل سرمایه از ۵۷/۴ درصد در سال ۱۳۴۵ به ۹۶/۵ درصد در سال ۱۳۵۳ می‌رسد در حالی که سهم کارگاه‌های کوچک شهری

و روستایی از کل تشکیل سرمایه در سال ۱۳۴۵ عبارت بوده است از ۱۳/۴ و ۲۹/۲ درصد و در سال ۱۳۵۳ عبارت بوده است از ۲/۲ و ۱/۳ درصد. اما از ۳۷۴۰۱۹ نفر جمعیت افزوده شده بر جمعیت شاغل در فعالیت‌های صنعتی در دوره ۵۵ - ۱۳۴۵ سهم مناطق شهری که عمدتاً "دربگیرنده کارگاههای بزرگ" بوده اند حدود ۱۶۶۱۹۳ نفر یا ۴۵ درصد و سهم مناطق روستایی که عمدتاً "دربگیرنده کارگاههای کوچک هستند ۲۰۷۸۲۶ نفر یا ۵۵ درصد از کل افزایش بوده است. این ارقام بخوبی بیانگر عدم توانایی ایجاد اشتغال توسط سرمایه‌گذاری‌های جدیدی است که در سالهای ۵۳ - ۱۳۴۵ در بخش صنعت صورت گرفته است و عمدتاً "متوجه کارگاههای بزرگ شهری بوده است. این امر خود ناشی از سرمایه‌بر بودن تکنولوژی مورد استفاده می‌باشد که یکی از ریشه‌های ساختاری مسئله بیکاری مناطق شهری را تشکیل می‌دهد. در حالی که در همین دوره مشاهده می‌شود که افزایش شاغلین در فعالیت‌های صنعتی در مناطق روستایی با وجود کاهش سرمایه ثابت ناخالص بیشتر از مناطق شهری بوده است. دلیل این امر می‌تواند بواسطه افزایش تعداد کارگاهها باشد. که احتیاج کمی به سرمایه ثابت دارند (مانند کارگاههای تک‌نفره یا کارگاههای قالیبافی). اگر به ارقام تشکیل سرمایه ثابت کارگاههای صنعتی کوچک در روستاها توجه نمائیم متوجه خواهیم شد که این رقم از ۲۹۳۲ میلیارد ریال در سال ۱۳۴۵ به ۷۷۰ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۳ کاهش یافته است. کلیه این ارقام حاکی از تعطیل کارگاههای میانی زیر ۱۰ (۵ تا ۱۰ نفره) بواسطه گسترش تکنولوژی سرمایه بر و سوق کارکنان این کارگاهها بسوی فعالیت‌های مشخص در کارگاههای یک‌نفره می‌باشد. بنابراین مشاهده می‌شود که کاربرد این نوع تکنولوژی وابسته ساختنی ناهمگون و برخلاف منافع ملی، بر بازار کار کشور تحمیل نمود که بعد از سالهای ۱۳۵۵ برای انقلاب بهارث گذاشته شد. از آنجاکه کاربرد این نوع تکنولوژی و در نتیجه قبول این ساخت اقتصادی نمی‌توانست در جهت منافع ملی کشور باشد و باید تغییر می‌نمود و چون تغییر این ساخت به لحاظ هزینه‌های انجام آن به سادگی قابل حصول نبود. این مسئله همچنان به عنوان ریشه بنیادین بیکاری در مناطق شهری در اقتصاد ایران باقی ماند.

ب - عرضه نیروی کار

عرضه نیروی کار یا جویندگان کار در هر زمان عبارتست از حجم جمعیت فعال. افزایش عرضه نیروی کار در مناطق شهری یا از خارج از شهرها تامین می‌شود (روستاها و یا خارج از کشور)

۱ - کارگاههای بزرگ عبارتند از: کارگاههایی با کارکنان ۱۰ نفر بیشتر - کارگاههای کوچک
عبارتند از کارگاههایی با کارکنان ۱۰ نفر کمتر.

و یا از داخل شهرها تأمین می‌شود (ورود افراد جدید به بازار کار از گروه‌های سنی پائین با ورود فارغ التحصیلان به بازار کار) عرضه نیروی کار در دوره ۵۵-۱۳۴۵ به تعداد ۱۹۵۴۵۳۳^۱ نفر افزایش یافت که سهم مناطق شهری از این افزایش ۵۶۷۲۰۳ نفر (۸۰ درصد) و سهم مناطق روستایی از این افزایش ۳۸۷۳۳۰ نفر (۲۰ درصد) می‌باشد. چنانچه ملاحظه می‌گردد افزایش عرضه نیروی کار در مناطق شهری در این دوره ۴ برابر مناطق روستایی می‌باشد. این امر به دلیل افزایش امکانات اشتغال و فرصت‌های شغلی در مناطق شهری بوده که باعث جذب مهاجرین از مناطق روستایی به مناطق شهری شده است. با در نظر داشتن حجم کل مهاجرین (از مناطق روستایی به مناطق شهری) که بالغ بر ۲۳۶۳۰۰۰^۲ نفر برای دوره ۵۵-۱۳۴۵ برآورد گردیده است حجم جمعیت فعال مهاجر به ۸۹۷۹۴۰^۳ نفر برآورد می‌شود. یعنی از افزایش ۱۵۶۷۲۰۳ نفر بر عرضه نیروی کار در مناطق شهری حدود ۵۷/۳ درصد آن (۸۹۷۹۴۰ نفر) حاصل مهاجرت از مناطق روستایی می‌باشند و سهم عوامل دیگر در افزایش عرضه نیروی کار مناطق شهری فقط ۴۲/۷ درصد بوده است. بنابراین مشاهده می‌شود که بیش از نیمی از افزایش عرضه نیروی کار در مناطق شهری بواسطه مهاجرت نیروی کار از مناطق روستایی بوده است. دلیل عمده و اصلی مهاجرت از مناطق روستایی به شهری کوشش برای کسب درآمد بیشتر و گذران زندگی بوده است. به عبارت دیگر چون انتظار کسب درآمد بیشتر در مناطق شهری نسبت به مناطق روستایی برای نیروی کار روستایی وجود داشت امر مهاجرت صورت می‌پذیرفت. یعنی قبل از تصمیم به مهاجرت دو عامل هم‌زمان در نظر گرفته می‌شود. اول اختلاف سطح درآمد قابل کسب در روستا و شهر و دوم احتمال یافتن شغل در روستا و شهر به عبارت دیگر " درآمد قابل انتظار"^۴ در شهر بیشتر از روستا باشد امر مهاجرت صورت می‌پذیرد. افزایش درآمد قابل انتظار در مناطق شهری نسبت به مناطق روستایی معلول عملکردهای فاکتورهای مختلف اقتصادی و برآیند آنها می‌باشد به صورتی که باعث مهاجرت ۸۹۷۹۴۰ نفر در دوره ۵۵-۴۵ از مناطق روستایی به مناطق شهری شده است.

۱- رجوع شود به جدول شماره ۲.

۲- جدول ۲۵، ص ۷۱، مهاجرت و شهرنشینی - علیزاده و کازرونی، وزارت برنامه و بودجه

۳- سهم جمعیت فعال در کل جمعیت مهاجر برابر با سهم جمعیت فعال روستایی در کل^{۱۳۴۳}

جمعیت روستایی سال ۱۳۵۵ فرض شده است.

عواملی که باعث افزایش درآمد قابل انتظار در مناطق شهری و کاهش آن در مناطق روستایی می‌شود بطور خلاصه و مختصر عبارتند از:

۱- سیاست‌های غلط توزیع اعتبارات

جهت‌گیری توزیع سیاست‌های اعتباری در این دوره اولاً "بمنفع مناطق شهری بوده و ثانیاً" در مناطق روستایی عمدتاً "بمنفع زمین‌داران بزرگ بوده تا روستائیان کم‌زمین، از این طریق کمبود منابع مالی از طرفی باعث رکود فعالیت‌های اقتصادی در مناطق روستایی شده و از طرف دیگر باعث کاهش هرچه بیشتر سطح درآمد روستائیان کم‌زمین شده و موجبات مهاجرت آنها را بسوی مناطق شهری فراهم می‌نموده. چنانچه در اجرای این سیاست در سال ۱۳۵۵ زمین‌داران بزرگ ۴۰۰ برابر بیشتر از خرده‌مالکان وام دریافت داشته‌اند^۱. و به همین جهت به علت عدم دسترسی به منابع مالی از طریق وام‌های دولتی کشاورزان کم‌زمین یا خرده‌مالکین مجبور بودند احتیاجات مالی خود را از طریق رباخواران محلی تأمین نمایند که این امر خود باعث کاهش درآمد بخش عظیمی از کشاورزان می‌شده است و آنها را بسوی مناطق شهری روان می‌ساخته. چنانچه در سال ۱۳۵۵ حدود ۳۵ درصد از خانوارهای روستایی از شرکت‌های خصوصی و یا رباخواران محلی وام دریافت نموده‌اند^۲.

۲- تمرکز مالکیت زمین

یکی از مهمترین عواملی که تعیین‌کننده سطح درآمد برای روستائیان می‌باشد مقدار زمینی است که برای کشت بفا آن دسترسی دارند البته واضح است که عوامل تولید دیگر مانند بذر، آب و کودشیمیایی نیز در میزان تولید زارع و در نتیجه در تعیین سطح درآمد او مؤثر می‌باشد. اما بنظر می‌رسد که با شرایط و شیوه تولید در ایران افزایش و یا کاهش سطح زیرکشت بیشترین اثر را نسبت به سایر عوامل تولید در درآمد حاصل داشته باشد. در سرشماری کشاورزی ۱۳۵۳ بهره‌بردارانی که کمتر از ۱۰ هکتار زمین داشتند ۸۵ درصد از کل بهره‌برداران را تشکیل می‌دادند در حالی که فقط ۳۳ درصد از زمین‌های تحت بهره‌برداری را در اختیار داشتند و بهره‌بردارانی که بیشتر از ۱۰ هکتار زمین در اختیار داشتند فقط ۱۵ درصد از

۱- مهاجرت‌های بی‌رویه و حاشیه‌نشینی در کشورهای جهان سوم، ابوالحسن دانش، دفتر

جمعیت و نیروی انسانی - وزارت برنامه و بودجه - ۱۳۶۳ - ص ۲۱.

۲- منبع فوق صفحه ۲۲.

از کل بهره‌برداران را تشکیل می‌دادند و ۶۷ درصد از کل زمین‌های تحت بهره‌برداری را در اختیار داشتند. همچنین در همین سال متوسط زمین هر بهره‌بردار کمتر از ۲ هکتار حدود ۰/۷ هکتار، ۲ تا کمتر از ۵ هکتار ۳/۲ هکتار، ۵ تا کمتر از ۱۰ هکتار ۶/۹ هکتار، ۱۰ تا کمتر از ۵۰ هکتار ۱۷/۵ هکتار و ۵۰ هکتار بیشتر ۱۳۶/۶ هکتار بوده است. یعنی متوسط زمین هر بهره‌بردار با افزایش طبقات بهره‌برداری افزایش یافته و شدت آن نیز بسیار زیاد بوده است. نتیجه طبیعی چنین وضعی تخصیص هر چه بیشتر زمین‌های قابل بهره‌برداری بین عده معدودی بوده است که بدین طریق راهی برای بقیه که یا بدون زمین بوده‌اند (۱۷/۱۵ درصد) و یا این که درآمدهای حاصل از زمین‌های تحت تملک آنها مکنی نبوده نمی‌مانده جز مهاجرت.

۳- کمبود فرصت‌های شغلی در بخش غیرکشاورزی

کمبود فرصت‌های شغلی در بخش غیرکشاورزی روستایی نیز یکی از عوامل بالقوه مؤثر در کاهش درآمد روستائیان می‌باشد. چون بنا بر ماهیت فصلی بودن فعالیت‌های کشاورزی کشاورزان فصلی از سال را بیکار خواهند بود و از طریق فعالیت‌های غیرکشاورزی می‌توانند درآمد سالیانه خود را در سطح مورد انتظار ثابت نگاه‌دارند. مدت زمان این بیکاری فصلی بنا بر منطقه‌های مختلف آب و هوایی در ایران از ۴ تا ۸ ماه در نوسان می‌باشد و متوسط میزان تغییر حجم شاغلین در روستاها در بین فصلی که کشت انجام پذیرفته و فصلی که کشت نمی‌شود به حدود ۷۵۰۰۰ نفر می‌رسد. در دوره ۵۵-۴۵ بر اساس آمار سرشماری‌های نفوس و مسکن جمعیت فعال در مناطق روستایی به میزان ۳۸۷۳۳۰ نفر افزایش یافته است. همچنین همانطور که محاسبه شد میزان مهاجرت جمعیت فعال از مناطق روستایی به مناطق شهری در این دوره ۸۹۷۹۴۰ نفر بوده است. پس بنا بر این افزایش جمعیت فعال در روستاها و یا افزایش عرضه نیروی کار در دوره ۵۵-۴۵ به میزان ۱۲۸۵۲۷۰ نفر بوده. در این دوره مجموع فرصت‌های شغلی ایجاد شده (تقاضا برای نیروی کار) در فعالیت‌های غیرکشاورزی روستایی بر اساس جدول شماره ۱ یعنی فعالیت‌های معدن صنعت، ساختمان، برق و گاز، آب، خدمات برابر با ۶۰۸۲۱۱ نفر شغل بوده است. از آنجا که فعالیت‌های مربوط به کشاورزی نه تنها نتوانسته است هیچگونه تقاضایی برای نیروی کار اضافی در این دوره ایجاد نماید، بلکه فرصت‌های شغلی (تعداد شاغلین) در این دوره در فعالیت‌های کشاورزی کاهش یافته است و احتمالاً "برخی از فرصت‌های شغلی ایجاد شده در فعالیت‌های غیرکشاورزی توسط شاغلین بیکار شده فعالیت‌های کشاورزی اشغال شده است. بنا بر این متوجه می‌شویم که فعالیت‌های

غیرکشاورزی به هیچ صورت نمی‌توانسته فرصت‌های شغلی کافی برای اشتغال نیروی کار ایجاد نماید و به همین جهت حدود ۷۰٪ درصد از افزایش جمعیت فعال روستا در این دوره به مناطق شهری مهاجرت نمودند.

$$(۸۹۷۹۴۰ \frac{0}{0} - ۱۲۸۵۲۷۰ = ۷۰\%)$$

۴- ساختار تولید در بخش کشاورزی

ساخت تولید در بخش کشاورزی و اقتصاد روستایی در این دوره مستقیماً " متأثر از تحولات حاصل در نظام ارضی بواسطه رفرم ارضی فرمایشی رژیم وابسته پهلوی بود. نتیجه مستقیم این رفرم ارضی برهم خوردن ساخت سنتی نظام تولید و سوق آن بسوی یک نظام تولید نیمه ماشینی ناقص با تولیداتی درجهت وابستگی به بازارهای بین‌المللی و حرکتی درجهت عکس خودکفایی کشاورزی بود. این تغییرات منجر به بیکار شدن بخش وسیعی از کشاورزان و باعث مهاجرت آنها بسوی مناطق شهری گردید. بررسی تغییرات در توزیع زمین‌های بهره‌برداران در شهرستان‌های کشاورزی در دو مقطع ۱۳۳۹ و ۱۳۵۳ نیز مؤید همین نظر می‌باشد. از مقایسه مساحت زمین‌های تحت بهره‌برداری بین سالهای ۱۳۳۹ و ۱۳۵۳ مشخص می‌شود که در طی این سالها توزیع زمین‌های تحت بهره‌برداری فقط بمنفع بهره‌برداری بسیار بزرگ (۵۰ هکتار و بیشتر) تغییر کرده است. یعنی برای کلیه بهره‌برداران درصد مساحت زمین‌های تحت بهره‌برداری کاهش پیدا می‌نماید. جز برای بهره‌برداران با وسعت زمین زیرکشت ۵۰ هکتار و بیشتر. این کاهش برای بهره‌برداران کمتر از ۲ هکتار یک درصد، برای ۲ تا کمتر از ۵ هکتار ۳ درصد، برای ۵ تا کمتر از ۱۰ هکتار ۳ درصد و برای ۱۰ تا کمتر از ۵۰ هکتار ۵/۵ درصد بوده است و ناگهان برای بهره‌برداران ۵۰ هکتار و بیشتر این کاهش به افزایش ۷/۵ درصد تبدیل می‌گردد. از مقایسه متوسط زمین‌های زیرکشت متعلق به بهره‌بردار در هر طبقه از بهره‌برداران در سال ۱۳۳۹ و ۱۳۵۳ نیز می‌توان پی بفرموده فوق‌الذکر در جهت تمرکز هر چه بیشتر واحدهای بهره‌برداری برد. چنانچه این متوسط فقط برای بهره‌برداران ۵۰ هکتار و بیشتر افزایش نشان می‌دهد یعنی متوسط زمین‌های زیرکشت برای بهره‌برداران کمتر از ۲ هکتار، ۶٪ هکتار، برای ۲ تا کمتر از ۵ هکتار ۸٪ هکتار، برای ۵ تا کمتر از ۱۰ هکتار ۱۵/۳٪ هکتار کاهش و برای ۱۰ تا کمتر از ۵۰ هکتار ۲٪ هکتار و برای ۵۰ هکتار و بیشتر ۱۲/۴۷٪ هکتار افزایش نشان می‌دهد^۱. چنانچه مشهود است

۱- جدول شماره ۱۴- نظام ارضی در روستاهای ایران- آقاي حسن زنده‌دل دفتر

آمار و ارقام حاکی از جهت‌گیری بسوی تولید در واحدهای بزرگ بسوی برداری می‌باشد که لازماً ماشینی‌کردن و پیا حد اقل نیمه‌ماشینی نمودن تولید است. بواسطه تغییر نظام تولید کشاورزی از سنتی به ماشینی و پیا نیمه‌ماشینی نیروی کار زیادی آزاد خواهد شد^۱ و اگر فرصت‌های مکفی جهت اشتغال نیروی کار آزاد شده فراهم نگردد این نیروی کار به ناچار جهت یافتن کار بسوی شهرها مهاجرت خواهد نمود و باعث عرضه نیروی کار در شهرها خواهند گردید. چنانچه در فاصله سالهای ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۳ از تعداد بهره‌برداران کشاورز که کمتر از ۲ هکتار زمین در اختیار داشتند ۳۰۵۳۴ واحد کم شده بود یعنی در عرض سه سال حدود سی هزار خانوار روستایی از زمین محروم شده بودند^۲.

بنابراین مشاهده می‌شود که بواسطه اجرای سیاست‌های رژیم گذشته عرضه نیروی کار در شهرها بواسطه مهاجرت از مناطق روستایی افزایش یافت چنانچه ۷۰ درصد از افزایش عرضه نیروی کار در مناطق شهری بواسطه امر مهاجرت از مناطق روستایی بود. این نوع مهاجرت‌های بی‌رویه و افزایش بی‌رویه عرضه نیروی کار ساختی ناهمگون از بازار کار در شهرها و مناطق شهری بوجود آورد. و از آنجایی که توسعه صنعتی به گونه‌ای نبود که فرصت‌های شغلی مولد برای خیل عظیم مهاجرین بوجود آورد طبیعتاً "این عده بسوی مشاغل خدماتی کشانده می‌شدند و از آنجا که این بخش بیشترین تقاضا را برای نیروی کار ایجاد نمود جذب‌کننده این عرضه اضافی نیروی کار شد. بنابراین مشاهده می‌نمائیم که چنین ساخت ناهمگونی در بازار کار در مناطق شهری ساخته شد و دولت‌های بعد از انقلاب وارث آن شدند.

ج - بیکاری

جمعیت بیکار به گروهی اطلاق می‌شود که مایل به کار کردن هستند ولی موفق به یافتن کار نمی‌شوند. نرخ بیکاری نیز عبارتست از درصد این جمعیت از کل جمعیت فعال^۳. دلیل بروز بیکاری نیز همواره افزایش عرضه نیروی کار بر تقاضای آن می‌باشد. عرضه نیروی کار یا جمعیت فعال در کل کشور مطابق جدول شماره ۲ در طی سالهای ۵۵ - ۱۳۴۵ به میزان

۱ - بنابراین محاسبات انجام شده در گزارش تحقیقی "چگونگی اشتغال‌زایی بخش کشاورزی" به‌ازاء تغییر نوع کشت در هر هکتار از سنتی به ماشینی برای گندم ۶۰ نفر روز در سال برای جو ۶۵ نفر روز در سال کاهش اشتغال وجود خواهد داشت.

جدول شماره ۵۳، گزارش بررسی چگونگی اشتغال‌زایی بخش کشاورزی، دفتر جمعیت و نیروی انسانی، معاونت امور اقتصادی، ۱۳۶۴.

۲ - زنده‌دل - نظام ارضی - ص ۴۲.

۱۹۵۴۵۳۳ نفر افزایش یافت که از این میزان سهم مناطق روستایی ۱۹/۸ درصد و سهم مناطق شهری ۸۰/۲ درصد بود. دلیل این امر مهاجرت بخش وسیعی از جمعیت فعال مناطق روستایی بسوی مناطق شهری بود که حجم آن به ۸۹۷۹۴۰ نفر برآورد شد. در این دوره برطبق جدول شماره ۱ تعداد فرصت‌های شغلی ایجاد شده در کل کشور به تعداد ۱۶۸۳۶۳۳ فرصت بوده است که در مقایسه با افزایش عرضه جمعیت فعال به میزان ۲۷۰۹۰۰ نفر کاهش نشان می‌دهد. یعنی در کل کشور طی این دوره به جمعیت بیکاران به میزان ۲۷۰۹۰۰ نفر افزوده شد و نرخ بیکاری از ۹/۲۵ درصد در سال ۱۳۴۵ به ۱۰/۱۷ درصد در سال ۱۳۵۵ رسید. از تعداد ۲۷۰۹۰۰ نفر افزایش به جمعیت بیکار سهم مناطق روستایی ۷۶ درصد و سهم مناطق شهری ۲۴ درصد بوده است. همانطور که از جدول ملاحظه می‌شود با وجود این که عرضه نیروی کار در مناطق شهری ۴ برابر مناطق روستایی بوده است جمعیت بیکار در مناطق شهری کمتر از $\frac{۱}{۳}$ جمعیت بیکار در مناطق روستایی افزایش یافته است. یعنی افزایش در جمعیت بیکاران طی این دوره در مناطق شهری ۶۴۸۶۱ نفر و در مناطق روستایی ۲۰۶۳۰۹ نفر بوده است. نرخ بیکاری در مناطق شهری در طی این دوره در حد ۵ درصد باقی مانده در حالی که در مناطق روستایی حدود ۳ درصد افزایش پیدا کرده و از ۱۱/۱ درصد در سال ۱۳۴۵ به ۱۴/۱ درصد در سال ۱۳۵۵ رسیده است. علت این امر ایجاد فرصت‌های شغلی یا تقاضا برای نیروی کار در مناطق شهری به میزان ۸/۳ برابر مناطق روستایی طی این دوره بوده است. یعنی تعداد فرصت‌های شغلی ایجاد شده در مناطق شهری ۱۵۰۲۳۴۲ فرصت بوده و در مناطق روستایی ۱۸۱۲۶۴ فرصت شغلی و به عبارت دیگر مناطق شهری طی این دوره توانسته‌اند برای ۹۶ درصد از جویندگان کار فرصت‌های شغلی فراهم نمایند. که البته لازم به تذکر است که حدود ۶۴ درصد از فرصت‌های شغلی ایجاد شده تولیدی نبوده و جنبه خدماتی داشته‌اند. یعنی از ۱۵۰۲۳۴۲ فرصت شغلی جدید ایجاد شده در مناطق شهری طی این دوره سهم فعالیت‌های خدماتی ۹۵۲۴۱۴ فرصت و سهم فعالیت‌های تولیدی و مولد ۵۹۹۲۸ بوده است. بنابراین ملاحظه می‌شود که سیاست‌های توسعه رژیم وقت در اجرای برنامه صنعتی نمودن کشور و انتقال نیروی کار از مناطق روستایی به شهری تنها منتهی به رشد بخش خدمات در مناطق شهری گردید و از آنجایی که اقتصاد براساس رشد این بخش استوار بود فرصت‌های شغلی ایجاد شده جاذب این نیروی کار منتقل شده به‌سود نطفه‌های بیکاری در شهرها بواسطه این ساخت غلط بازار کار در همین دوره بسته شد و در سالهای بعد پس از این که این ساخت برهم خورد همراه با علل طبیعی ناشی از انقلاب و جنگ تحمیلی بصورت بیکاری گسترده‌تر عیان گردید.

۱۳۵۵

قبل از این که به بررسی مسئله پرداخته شود لازم به تذکر است که تنها مرجع آماری موجود راجع به فعالیت های بازار کار در این سالها نتایج حاصل از طرح آماری بررسی مسائل کلی نیروی انسانی و اشتغال اجرا شده توسط وزارت کار در سال ۱۳۶۱ می باشد. طرح مزبور فقط برای مناطق شهری اجرا شده و از این رو مقایسه سالهای ۱۳۵۵ و ۱۳۶۱ فقط در مناطق شهری امکان پذیر است.

الف - تقاضا برای نیروی کار

باتوجه به جدول شماره ۳ معلوم خواهد شد که در سال ۱۳۶۱ عمدتاً همان ترکیب تقاضای نیروی کار و ساخت اشتغال که در سال ۱۳۵۵ وجود داشته حفظ گردیده است. با این تفاوت که فعالیت های نامشخص در سال ۱۳۶۱ حدود ۱۸ درصد از کل شاغلین را در خود جای داده است در حالی که در سال ۱۳۵۵ فقط ۱/۱۷ درصد را. البته به احتمال قوی این اختلاف فاحش به علت ضعف آمارگیری در سال ۱۳۶۱ بوده که تعداد شاغلین در فعالیت های نامشخص بسیار گردیده است. یکی دیگر از عمده تفاوتها در ساخت کیفی اشتغال مربوط به کاهش سهم فعالیت های مربوط به ساختمان در کل تقاضا برای نیروی کار است. در سال ۱۳۵۵ فعالیت های ساختمانی حدود ۱۴ درصد از تقاضای نیروی کار در جامعه شهری را تشکیل می دادند در حالی که در سال ۱۳۶۱ این نسبت به ۷ درصد می رسد. علت کاهش سهم فعالیت های ساختمانی، مسائل و مشکلات ناشی از جنگ تحمیلی و مشکلات بخش ساختمان در بعد از انقلاب می باشد. افزایش تقاضا برای نیروی کار در دوره ۶۱ - ۵۵ برابر با ۱۳۱۲۵۹ نفر شغل می باشد که حدود ۸۶۱۵۰۱ نفر شغل آن مربوط به فعالیت های نامشخص می باشد. که همانطوری که توضیح داده شد به احتمال زیاد ناشی از ضعف سیستم آمارگیری می باشد. تقاضا برای نیروی کار در فعالیت های مربوط به کشاورزی، صنعت، برق، گاز، آب، فروش و هتلداری، خدمات اجتماعی و شخصی و فعالیت های نامشخص افزایش یافته است در حالی که این تقاضا برای فعالیت های مربوط به استخراج معادن، ساختمان، حمل و نقل و انبارداری و خدمات بیمه ای و ملکی کاهش یافته است. بیشترین کاهش در انواع فعالیت ها مربوط به فعالیت های مربوط به ساختمان می باشد که خود نقش عمده ای در امر بیکاری در این سالها ایفاء کرده است. بهر حال همانطور که اشاره شد در سال ۶۱ ساخت اشتغال و بازار کار

تقریباً " بهمان صورت سال ۱۳۵۵ باقی مانده و کماکان فعالیت‌های خدماتی بخش عمده‌ای از تقاضای نیروی کار را در بازار کار اشتغال نموده‌اند. چنانچه نسبت فعالیت‌های خدماتی در ایجاد تقاضا برای نیروی کار در سال ۱۳۵۵ حدود ۵۷ درصد بوده و در سال ۶۱ به حدود ۶۵ درصد می‌رسد.

ب - عرضه نیروی کار

باملاحظه جدول شماره ۲ مشاهده می‌شود که:

عرضه نیروی کار در مناطق شهری بین سالهای ۶۱- ۱۳۵۵ به میزان ۱۸۳۰۶۶۰ نفر افزایش یافته و به ۶۱۶۶۲۲۴ نفر رسیده است. طبق برآوردها حجم جمعیت مهاجر از مناطق روستایی به مناطق شهری در این دوره ۲۹۲۹۲۳۹ نفر می‌باشد. از این عده برآورد می‌شود که ۱۱۱۳۱۱۱ نفر آن متعلق به جمعیت فعال روستاها باشند. یعنی مهاجرت نیروی کار از مناطق روستایی به شهری بین سالهای ۶۱- ۱۳۵۵ حدود ۶۱ درصد از افزایش ۱۸۳۰۶۶۰ نفری عرضه نیروی کار در مناطق شهری را تشکیل می‌دهد.

ج - بیکاری

بر اساس جدول شماره ۲ در دوره ۶۱- ۱۳۵۵ عرضه نیروی کار بر تقاضای نیروی کار در مناطق شهری به اندازه ۱۱۴۱۰۷۵ نفر افزایش یافته یعنی حجم جمعیت بیکار در دوره ۶۱- ۱۳۵۵ به ۱۱۴۱۰۷۵ نفر بالغ شده است که نرخ بیکاری شهری را به ۱۸/۵ درصد رسانیده است. همانطوری که عنوان شد دلیل بیکاری را باید در کاهش تقاضا برای نیروی کار و افزایش عرضه نیروی کار جستجو نمود. مضاف بر آن که همانطور که نشان داده شد ساخت اقتصادی بازار کار قبل از سالهای ۱۳۵۵ که برای نظام قبل از انقلاب طراحی شده بود هنوز بر اقتصاد حاکم بود. بیکاری ناشی از کاهش تقاضا برای نیروی کار عمدتاً " مربوط به ساختار اقتصادی کشور و تولید می‌باشد. ساخت اقتصادی کشور پس از انقلاب به جهت نیازهای انقلاب و منطبق نبودن این ساخت اقتصادی با ارزش‌های برخاسته از یک انقلاب اسلامی دستخوش تحول شد. سرعت این تغییرات در پاره‌ای از موارد زیاد بوده و چون بواسطه شرایط اجتناب‌ناپذیر بعد از انقلاب در مواردی فرصت کافی برای توقف و فکر کردن وجود

۱- ص ۷۲- جدول ۴۶- مهاجرت شهرنشینی در ایران - محمد علیزاده دفتر جمعیت و

نیروی انسانی - وزارت برنامه و بودجه - آبان ۱۳۶۳.

نداشت سرعت تغییرات برکیفیت تغییرات غلبه نموده و منتهی به رکود تولید و در نتیجه کاهش تقاضا برای نیروی کار و اشتغال گردید. بهر حال رسیدن از نظام اقتصادی پیش از انقلاب به یک نظام اقتصادی منطبق با ارزشهای انقلاب اسلامی احتیاج به زمان و یک دوره انتقالی دارد. پیچیدن این دوره انتقالی همراه با ضایعاتی از قبیل کاهش تولید و اشتغال همراه است و هرچه این دوره انتقالی سریعتر اتفاق بیافتد این ضایعات شدیدتر خواهد بود. در ارتباط با بیکاری ناشی از کاهش تقاضا برای نیروی کار و یافتن تولید، جنگ تحمیلی نقش عمده‌ای را ایفا نموده است. بواسطه درگیر شدن بخش عظیمی از منطقه غرب و جنوب کشور در این جنگ خسارات زیادی به بخشهای مختلف اقتصادی وارد آمد که این خسارات توسط کمیسیون برآورد خسارات جنگی تا سال ۱۳۶۲^۱ حدوداً "به ۱۵۳۹۵۳۹۱ میلیون ریال (۱۹۲ میلیارد دلار) برآورد گردیده است. بیشترین خسارات را بخش نفت با ۵۲۸۶۷۱۲ میلیون ریال و پس از آن بخش کشاورزی با ۲۵۳۹۷۳۶ میلیون ریال سپس صنایع با ۷۰۶۲۴۱ میلیون ریال دیده‌اند. اثر این خسارتهای در کاهش تولید و نتیجتاً در کاهش تقاضا برای نیروی کار و افزایش بیکاری را نباید دست کم شمرد. چنانچه بخش عظیمی از بهترین اراضی زراعی کشور که در خوزستان قرار دارد بواسطه شرایط جنگی قابل کشت نیست و یا این که پالایشگاه آبادان توسط نیروهای دشمن در ابتدای جنگ تقریباً "منهدم شد و بخش عظیمی از کارخانجات از تولید باز ایستادند. همچنین نقش تنگناهای ورود مواد اولیه در کاهش تولید و نقش کمبودهای ارزی در این تنگناها را که مستقیماً "متأثر از شرایط جنگی است نباید فراموش نمود. یکی دیگر از علل کمبود توان اقتصاد در ایجاد فرصت‌های شغلی مکفی جهت جویندگان کار (یا ایجاد تقاضا برای نیروی کار) استفاده از یک تکنولوژی غیر مناسب بسا ساخت اقتصادی فعلی و بجای مانده از نظام پیشین می‌باشد. وجه غالب این تکنولوژی که سرمایه‌بری آن می‌باشد باعث این شده است که رشد تولید به هیچ وجه با رشد ایجاد فرصت‌های شغلی و یا رشد تقاضاهای نیروی کار تناسب نداشته باشد. دلیل این امر به علت پیشرفت تکنولوژی در ساخت ابزارآلات فنی با بازدهی تولید بالا می‌باشد که باعث می‌شود درصد افزایش در تولید هیچگاه متناسبی با درصد افزایش در تقاضا برای نیروی کار یا درصد افزایش در اشتغال نداشته باشد. یعنی اگر تولید یک درصد رشد کند تقاضا برای نیروی کار همواره کمتر از یک درصد رشد می‌نماید. همچنین با شرایط ویژه کشورهای جهان سوم بطور عام و شرایط ایران بطور خاص قیمت سرمایه یعنی ماشین‌آلات همیشه پایین‌تر از قیمت واقعی آن می‌باشد و قیمت نیروی کار معمولاً "بالا تر از قیمت واقعی آن است. یعنی همواره جایگزینی ماشین

۱ - خلاصه گزارش برآورد خسارات اقتصادی جنگ تحمیلی، مرداد ۶۴ - کمیسیون برآورد - خسارات جنگی - وزارت برنامه و بودجه. ص ۱۹.

به جای انسان با صرفه‌تر و ارزان‌تر تمام خواهد شد. به عبارت دیگر می‌توان نتیجه‌گیری نمود که این ساخت تکنولوژی که از گذشته برای کشور به ارث مانده بهیچ وجه قدرت اشتغال‌زایی مناسب را ندارد. یعنی با برنامه‌ریزی صحیح قادر به تأمین رشد تولید با بازدهی خوب خواهد بود ولی قدرت فراهم نمودن فرصت‌های شغلی به اندازه مکفی را نخواهد داشت. بیکاری ناشی از افزایش عرضه نیروی کار در مناطق شهری که قسمت عمده آن مربوط به مهاجرت از مناطق روستایی به مناطق شهری می‌باشد عمدتاً "متأثر از وجود ساخت دوگانه در اقتصاد یعنی بخش روستایی و شهری با ویژگی‌های متفاوت می‌باشد که اختلاف درآمد مورد انتظار در این دو بخش جریان مهاجرت را طبیعتاً "به دنبال خود خواهد داشت همانطوری که توضیح داده شده شکل‌گیری چنین ساختی از اقتصاد نیز مربوط به سال‌های قبل از انقلاب می‌باشد. با در نظر گرفتن این نکته بنظر می‌رسد عوامل ذیل نیز در افزایش شدت مهاجرت نیروی کار از مناطق روستایی به شهری و افزایش عرضه نیروی کار در مناطق شهری در دوره ۶۱-۱۳۵۵ مؤثر باشد.

- ۱- اعتبارات بانکهای کشاورزی پاسخگوی منابع مورد نیاز زارعین نبوده است.
- ۲- از افزایش درآمدهای زراعی بیشتر بهره‌برداران کشتهای صیفی و جالبیزی و باغداران بهره‌مند شده‌اند و کشتکاران کشتهای اساسی بدلیل تورم قیمت‌ها و بالا رفتن هزینه‌های تولید و نیز ضرورتاً "پرداخت بیشتر برای کالای مصرفی مورد نیاز خود از این افزایش درآمد نفع نبرده‌اند.
- ۳- خدمات ترویجی کشاورزی چه از لحاظ کمی و چه از لحاظ کیفی درخور و قابل توجه نبوده و به موقع و در سطح مورد نیاز به روستائیان عرضه نشده است.
- ۴- افزایش نرخ رشد جمعیت موجب اختصاص بخش وسیعی از امکانات سرمایه‌گذاری کشور به نیازهای مصرفی گردیده است.

این فعل و انفعالات منجر به کاهش درآمد مورد انتظار از ماندن در روستاها شده و از این رو به واسطه گسترش مشاغل خدماتی و غیرمولد ولی پرسود از لحاظ کسب درآمد در شهرها، سطح درآمد مورد انتظار روستائیان از کار کردن در شهرها را افزایش داده و بدین طریق نیروی کار مستعد و فعال روستاها به مناطق شهری جهت کسب درآمد مهاجرت نموده است. مهاجرت از مناطق روستایی به مناطق شهری بواسطه جنگ تحمیلی نیز نقش مهمی در افزایش عرضه نیروی کار ایفا می‌نماید به نحوی که اکثر روستائیان مستقر در مناطق جنگ‌زده بواسطه مصائب و مشکلات ناشی از جنگ تحمیلی مجبور به ترک روستاهای خود شده و به شهرهای اطراف روی آورده‌اند - چنانچه براساس برآوردهای غیررسمی ۱۵۰۰ روستا ویران شده یا صدمه دیده‌اند.

یکی دیگر از منابع افزایش عرضه نیروی کار نیز در مناطق شهری در سالهای اخیر تحولات منطقه بوده است. چنانچه اشغال افغانستان موجب رانده شدن تعداد بسیاری از افغانه در سنین کار به کشورهای همجوار از جمله ایران شده است. بنظر می‌رسد که تعداد مهاجرین افغانی به حدود ۱/۸ میلیون رسیده باشد و حدود یک میلیون فرصت شغلی را بواسطه قبول دستمزدهای پایین‌تر از کارگران ایرانی و قبول مشاغل سخت و پرزحمت اشغال کرده باشند.

استراتژی بلندمدت توسعه برای حل مسئله بیکاری شهرها

همانطوری که قبلاً توضیح داده شد طراحی هرگونه استراتژی در این رابطه و سیاست‌گذاری باید با توجه به ساخت دوگانه اقتصاد در ایران صورت گیرد بدین معنی که طراحان باید در نظر داشته باشند که جامعه اقتصادی ایران از دوی بخش روستایی و شهری با ویژگیهای اقتصادی متفاوت و بازار کار متفاوت و در نتیجه مسائل و مشکلات متفاوت تشکیل شده‌اند. همچنین باید توجه کرد که هرگونه تغییری در یک بخش موجب تغییراتی در بخش دیگر خواهد شد و بخشها از یکدیگر اثرپذیر خواهند بود. یعنی به مجرد این که سطح دستمزدها و یا درآمد در بخش شهری افزایش یابد موجب مهاجرت نیروی کار از بخش روستایی به شهری می‌شود. همچنین اگر احتمال یافتن کار در بخش شهری افزایش یابد بازهم موجب مهاجرت نیروی کار از بخش روستایی به شهری خواهد شد چون همانطوره قبلاً توضیح داده شد وقتی یک نفر قصد مهاجرت می‌نماید هم اختلاف سطح دستمزد مبدأ و قصد مهاجرت را در نظر خواهد گرفت و هم احتمال یافتن کار در مبدأ و مقصد را. حال اگر احتمال یافتن کار نسبت مستقیم با تعداد فرصت‌های شغلی داشته باشد و یا به عبارت دیگر با افزایش فرصت‌های شغلی (و یا تقاضا برای نیروی کار) این احتمال افزایش یابد هرگونه افزایش فرصت‌های شغلی و ایجاد تقاضای جدید برای نیروی کار در مناطق شهری موجب جذب نیروی کار از مناطق روستایی خواهد شد (اگر فرصت‌های شغلی حداقل به همان نسبت در مناطق روستایی افزایش نیابند). یعنی سرمایه‌گذاری جهت ایجاد اشتغال مولد در مناطق شهری با وجود ساخت دوگانه به علت جذب نیروی کار از مناطق روستایی در تقلیل بیکاری و بیکاری پنهان در شهرها ممکن است در بلندمدت اصلاً مؤثر نباشد. بخصوص در شرایطی مثل شرایط ایران که رشد با تکنیکی و بی‌رویه خدمات غیرمولد و کاذب و پردرآمد شهری حتی بیکاران مناطق شهری را نیز ممکن است جلب فعالیت‌های تولیدی ننماید.

پس برای حل مسئله بیکاری شهری که نمود خود را یا بصورت توده‌های بیکار جلوه خواهد کرد و یا بصورت رشد بیش از حد و زیان‌آور بخش خدمات و افزایش مشاغل کاذب و غیرمولد ولی پردرآمد که آفت اقتصادی می‌باشند، باید راه‌حل‌ها هم جنبه تقاضای نیروی کار و هم جنبه عرضه نیروی کار را مدنظر داشته باشند، یعنی هم باید عرضه نیروی کار به مناطق شهری کنترل شود و هم سعی در افزایش مناسب تقاضا برای نیروی کار گردد. با رشد تکنولوژی در سالهای اخیر و افزایش قدرت بازدهی ماشین‌آلات و ابزارهای جدید برنامه‌ریزی جهت رشد سریع تولیدات در اکثر موارد در جهان سوم همانطور که توضیح داده شد مغایر با اهداف ایجاد فرصت‌های مکفی برای جویندگان کار می‌باشد. یعنی بکارگیری تکنولوژی جدید برای رشد صنایع اساسی و مادر در مناطق شهری قدرت ایجاد رشد کافی در تقاضا برای نیروی کار را نخواهد داشت. به همین علت باید از طریق سیاست‌های مناسب جلوی مهاجرت نیروی کار به مناطق شهری گرفته شده و باعث کاهش در رشد عرضه نیروی کار در مناطق شهری گردد. البته این نکته را نیز باید توجه داشت که حتی اگر تکنولوژی صرفاً "کاربر نیز جهت استقرار انتخاب شود ولی به رشد عرضه نیروی کار و مهاجرت به مناطق شهری توجه نشود باز هم چاره‌ای برای بیماری مزمن بیکاری در شهرها پیدا نخواهد شد. چون همواره رشد عرضه، رشد تقاضا را خنثی خواهد نمود و بیکاری بصورت پایدار باقی خواهد ماند. برای کشورهای جهان سوم برآورد گردیده است که هر یک فرصت شغلی که در مناطق شهری ایجاد گردد ۳ نفر را به مناطق شهری جذب می‌نماید^۱. یعنی با شرایط موجود هرگونه گشایش در اقتصاد شهری و افزایش فرصت‌های شغلی کوتاه مدت بوده و اثر خود را در بلند مدت خواهد داد. یک تجربه در این مورد را می‌توان در کشور کنیا مشاهده نمود که در سال ۱۹۶۴ دولت کنیا قرارداد سه جانبه‌ای بین دولت اتحادیه‌های کارگری و بخش خصوصی جهت افزایش اشتغال به میزان ۱۵٪ بسته و متقبل پرداخت هرگونه افزایش دستمزد گردیده. هدف کاهش بیکاری گسترده‌ای بود که در نایروبی وجود داشت. اما این افزایش اشتغال بصورت آهن‌ربایی نیروی کار را به طرف نایروبی جذب نمود و نتیجه آن نه تنها کاهش نرخ بیکاری نبود بلکه افزایش مختصری در نرخ بیکاری بوجود آمد. و نتیجه کوششهای دولت کاملاً "به شکست منتهی شد^۲. بنابراین برای کنترل عرضه نیروی کار به مناطق شهری و یا کاهش شدت آن

۱- TODARO, M.P., 1977, "ECONOMIC DEVELOPMENT IN THE THIRD WORLD" P.179.

۲- TODARO, M.P., 1969, "A MODEL OF LABOR MIGRATION IN LESS DEVELOPED COUNTRIES" A.E.R. P.140.

از طریق توسعه اقتصادی و اجتماعی مناطق روستایی و افزایش امکانات اشتغال و افزایش سطح درآمد‌های قابل کسب در مناطق روستایی بنظر می‌رسد اقدامات زیر متمرکز واقع گردد .

الف - تعیین تکلیف وضع مالکیت زمین‌های مزروعی و در اختیار قرار دادن زمین‌های

مزروعی کافی برای روستائیان بدون زمین و کم‌زمین .

ب - بیمه نمودن محصولات کشاورزی از طریق سیاست‌های مناسب اجرایی .

ج - ایجاد مکانیسم مبادلاتی منطقی و صحیح و عادلانه بین شهر و روستا در جهت افزایش درآمد روستائیان از طریق حذف واسطه‌ها ، گسترش تعاونیهای توزیع و برقراری رابطه بلاواسطه و مستقیم بین تعاونیهای توزیع و تولیدکنندگان .

د - تحت ضابطه مشخص در آوردن قیمت کلیه فرآورده‌های کشاورزی بصورت همزمان و هماهنگ .

هـ - ایجاد شبکه‌های مؤثر و گسترده ارتباطی جهت توزیع سریع مواد و کالاهای مورد نیاز کشاورزان و نیز تسهیل در عرضه بموقع و کم هزینه محصولات و فرآورده‌های روستایی به بازار فروش .

و - افزایش حجم اعتباری بانک‌های کشاورزی و بهبود سیستم توزیع آن به نحوی که پاسخگوی نیازهای سرمایه‌ای زارعین کم‌توان باشد .

ز - تسهیل دسترسی به سایر عوامل تولید به غیر از زمین از قبیل بذر - کود - آب از طریق سیاست‌های مناسب .

ح - توسعه دامداری و دامپروری و توسعه بهره‌گیری صحیح از منابع طبیعی .

ط - گسترش امکانات آموزشی و بهداشتی و درمانی در سطح روستا .

ی - توسعه و گسترش صنایع کوچک روستایی و صنایع دستی جهت ایجاد فرصت‌های شغلی مکفی برای فصولی از سال که کشت انجام نمی‌شود .

جهت تأمین رشد تقاضا برای نیروی کار و ایجاد فرصت‌های مکفی جهت اشتغال در جهت کاهش بیکاری همانطوری که بیان گردید باید توجه داشت که در بیشتر مواقع رسیدن به حد اکثر ممکن در رشد تولید بواسطه استفاده از بهترین تکنولوژی‌ها متضاد با تأمین حداکثر رشد اشتغال خواهد بود . بنابراین برای یافتن مطلوبترین ترکیب مناسب باید در صنایع مادر و اساسی یعنی بنیانهای تولیدی پایه که رونق و رشد دیگر صنایع به آنها بستگی دارد و نیز در زمینه تهیه و تولید مواد خام و مواد غذایی اصلی ، از بهترین - - - - - و مدرنترین شیوه‌ها و تکنیک‌های کار و تولید استفاده کرد . اما در فعالیت‌های سنتی شهری و روستایی می‌توان حتی المقدور از جایگزینی شیوه‌های نوین بجای روش‌های معمول و مرسوم

خودداری نمود - صنعت نفت ، گاز ، ذوب آهن ، مس ، فولاد ، پتروشیمی ، سیمان و صنعت برق و کشتیهای استراتژیک نظیر پنبه ، دانه های پروغنی ، غلات از فعالیت هایی هستند که باید از مناسبترین و پیشرفته ترین تکنولوژی بمنظور حداکثر تولید و حداکثر مرغوبیت استفاده کنند . اما در بسیاری از زمینه های فعالیت های تولیدی نظیر صنایع مواد غذایی ، صنایع پوشاک ، چرم و پوست ، صنایع چرمی ، صنایع مصالح ساختمانی و در فعالیت هایی از قبیل راه سازی حفر کانالها و کارهای تولیدی کوچک سنتی می توان تا سرحد امکان از جایگزینی ماشین بجای نیروی کار احتراز جست . همچنین در بسیاری از زمینه های تولیدی بزرگ جدید می توان از تمرکز تمام مراحل تولید یک کالای صنعتی در یک کارگاه بزرگ جلوگیری نمود . در واقع کارگاه مادر و اصلی باید فقط به مونتاژ محصول نهایی و بازاریابی محصول و تجهیز نیروی انسانی بپردازد و ساخت قطعات و اجزاء به کارگاههای متوسط و اقماری واگذار گردد تا ، از این طریق اشتغال بیشتری فراهم آید . این روش در مورد بسیاری از ماشین آلات و وسایل نقلیه و لوازم اساسی زندگی قابل اعمال خواهد بود و کشورهای نظیر چین و هندوستان نیز تجربه های زیادی در این زمینه اندوخته دارند .

همچنین یکی دیگر از طرق افزایش تقاضا برای نیروی کار و ایجاد اشتغال ، ارتقاء کیفیت نیروی کار موجود می باشد . نظام آموزشی و نحوه عملکرد آن تعیین کننده این کیفیت می باشد . متأسفانه چون هنوز نظام آموزشی کشور منبعث از نیازهای جامعه نمی باشد به این جهت همواره بخش عظیمی از سواد آموختگان محروم از راه یابی به بازار کار و فعالیت های تولیدی می باشند . بدین ترتیب یا از داشتن کار محروم هستند و یا به سوی بخش غیر رسمی و مشاغل کاذب کشانده می شوند . که به هر دو صورت عارضه بسیار ناخوشایند و موجب بیماری جامعه خواهند بود . همساله بخش عظیمی از دیپلمه های دوره های دبیرستان که محروم از راه یابی به دانشگاه می باشند به جمعیت بیکاران افزوده می شوند بدون این که بتوانند نیازی از جامعه را برطرف نمایند و چنانچه در سال ۱۳۶۱ حدود ۳۹ درصد از بیکاران قبل غیر شاغل را دیپلمه ها تشکیل می دادند . بنظر می رسد که مهمترین اقدام جهت رفع این نقیصه گسترش آموزش های فنی و حرفه ای بر اساس نیازهای اقتصاد و بازنگری کلی در نظام آموزشی می باشد . از مهمترین کارهای زیربنایی در این راستا یکپارچه نگریستن به امر آموزش دبیرستانی و دانشگاه می باشد . یعنی آموزش متوسطه و دانشگاهی باید زیر نظر یک دستگاه اداره گردد . و طراحی نظام آموزشی باید منبعث از نیازهای جامعه باشد . چون متأسفانه طراحی نظام آموزشی فعلی در وجه غالب آن بجای مانده از رژیم پیشین است که تطابقی با نیازهای جامعه ندارد . یکی دیگر از سیاستهایی که منجر به افزایش تقاضا برای نیروی کار و نهایتاً منجر به افزایش اشتغال خواهد گردید ، سیاستهای مربوط به عادلانه تر نمودن توزیع درآمدهاست .

انتقال درآمد با سیاست‌های مناسب اجرایی از طبقات پردرآمد به طبقات کم‌درآمد باعث افزایش قدرت خرید در طبقات کم‌درآمد می‌گردد. افزایش قدرت خرید در طبقات کم‌درآمد موجب افزایش تقاضا برای کالاهای غیرلوکس خواهد شد. این افزایش تقاضا بدین ترتیب سبب رشد صنایع اشتغال‌زا خواهد گردید. البته این سیاست وقتی مؤثر خواهد بود که هدف کنترل و پیاکاهش مصرف نباشد. چون بواسطه افزایش میل‌نهایی به مصرف در طبقات کم‌درآمد نسبت به طبقات پردرآمد انتقال درآمد و ثروت از طبقات پردرآمد به کم‌درآمد موجب افزایش تقاضا و نهایتاً "افزایش مصرف خواهد شد و اگر بنیانهای تولیدی جهت جوابگویی به این افزایش تقاضا وجود نداشته باشند، اثر آن بصورت افزایش قیمت بروز خواهد نمود.

بنابراین می‌توان نتیجه‌گیری نمود که در طراحی یک استراتژی بلندمدت توسعه برای کاهش و درنهایت از بین بردن بیکاری در شهرها باید یکی از مهمترین مبادی تأمین عرضه نیروی کار شهرها یعنی بازارکار روستایی را مدنظر قرار داد و با رونق بخشیدن به اقتصاد روستایی و توسعه اجتماعی و اقتصادی روستاها عامل مهم افزایش عرضه نیروی کار در شهرها و بیکاری مزمن شهری را کاهش داد. مضاف بر آن که باید سیاستهای مناسب جهت افزایش فرصت‌های شغلی در مناطق شهری جهت تأمین فرصت‌های شغلی برای جویندگان کار به‌کار گرفته شود.

جدول (۱)

افزایش جمعیت شاغل ۱۰ ساله و بیشتر برحسب گروههای عمده فعالیت طی دوره ۵۵ - ۴۵ تدوین شده براساس جداول ۳-۳ و ۳-۲ سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۵۵.

مناطق روستایی		مناطق شهری		کسل کنسور		گروههای عمده فعالیت
افزایش درصد	تعداد افزایش	افزایش درصد	تعداد افزایش	افزایش درصد	تعداد افزایش	
۴/۰۲	۱۸۱۲۶۴	۵۷/۵۵	۱۵۰۲۳۴۲	۲۳/۶۶	۱۶۸۲۶۳۲	جمع
	۱۰/۷۶	% ۱۰۰	% ۸۹/۲۲	% ۱۰۰	% ۱۰۰	درصد
۱۳/۲۲	-۴۲۱۰۰۸	-۱۶/۶۱	۳۲۸۵۴	-۱۱/۴۸	-۳۸۸۱۵۴	کشاورزی - شکار چنگلداری - ماهیگیری
—	—	% ۲/۱۸		-% ۲۳	—	
۹۸/۹۷	۱۷۷۲۳	۵۴۵/۵	۴۵۸۵۳	۲۴۱/۶	۶۳۵۷۶	استخراج معادن استخراج سنگ
	% ۲۷/۸۷	۳/۰۵ درصد	% ۷۲/۱۲	% ۳/۷۷	% ۱۰۰	
۳۶/۱۳	۲۰۷۸۲۶	۰۲۲/۹۸	۱۶۶۱۹۳	۲۸/۸۱	۳۷۴۰۱۹	صنعت تولیدات صنعتی
	% ۵۵/۵۶	% ۱۱/۰۶	% ۴۳/۴۳	% ۲۲/۲	% ۱۰۰	
۱۵۵/۹	۳۷۸۶۴۹	۱۱۲/۴	۳۰۰۲۹۳	۱۳۳/۱	۶۷۸۹۳۲	ساختمان
	۵۵/۷۷	% ۱۹/۹۸	% ۴۴/۲۲	% ۴۰/۳	% ۱۰۰	
۷۴/۰۵	۴۰۱۳	۹/۹۸	۳۷۳۵	۱۶/۶۰	۸۷۷۵	برق - گاز - آب خدمات بهداشتی
۱/۲۳	۴۵/۷۳	% ۰/۳۱	۵۳۱۹۶	% ۰/۵۲	% ۱۰۰	
۱/۲۳	۵۹۴۹	۶۹/۶۸	۹۵۲۴۱۴	۵۱/۱	۹۴۶۴۷۵	حمل و نقل - ارتباطات و خدمات*
—	—	% ۶۳/۳۹		% ۵۶		

* خدمات - مالی - بیمه‌ای - تجاری - فروش - همداری - رستوران - کافه‌داری - بازرگانی شخصی - ناشخص.

مسئولان شماره (۲) جمعیت ناغل و بیگار مناطق شهری و روستایی.

کسر	جمعیت بیکار				جمعیت فاقد مسکن				جمعیت مسکن				شماره				
	تاریخ	درصد شهری	کسر	شهری	درصد روستایی	کسر	روستایی	شهری	درصد شهری	کسر	کل	روستایی		کل			
۲/۶۲	۱۱/۷۵	۴۴/۵۱	۵۸/۹۸	۷۲/۵۲	۸۵/۲۲	۶۹/۴۵	۳۵/۵۱	۵۰/۶۶۶	۲۱۰۰۲۴	۱۸۰۲۳۵	۶۸/۷۶	۳۱/۳۵	۶۶۶۶۲۲	۲۱۷۲۹۲	۱۸۹۳۱۴	۱۳۵	
۹/۲۵	۱۱/۱۸	۵/۷۴	۷۸/۲۱	۲۱/۷۸	۷۵۷۲۵۶۷۶۶	۹۵۸۰۶۲	۶۲/۳۱	۳۶/۶۸	۷۱۱۵۷۸	۳۵۵۹۱۳	۶۲/۶۹	۳۵/۳۵	۷۸۱۵۲۳	۵۰۷۲۱۲	۲۷۶۸۲۶	۱۳۵	
			۸۷/۳۵	۱۲/۷۳	۵۶۶۷۵۱	۴۲۵۱۶	۷۲۲۲۲	۳۲/۵۲	۶۶/۴۶	۱۲۵۸۲۱	۲۰۵۲۵۹	۵۰/۶۸	۳۹/۳۱	۱۷۷۲۸۸	۸۹۶۶۶۸	۸۷۵۲۱۱	۳۵-۳۵
					۳۵۶	۳۶۶۸۲/۱۷			۳۲۰/۲۵	۳۹/۸	۳۲۲/۲۲			۳۲۹/۲۵	۳۲۱/۵۵	۳۲۶/۲۲	
۱۰/۱۷	۱۳/۱۶	۵/۱۴	۷۷/۶۲	۲۲/۳۶	۹۶۶۲۷۳۷۵	۸۲۲۷۸	۵۲/۲۶	۴۶/۷۲	۸۷۹۹۲۴	۲۶۶۶۷۸	۲۱۱۲۳۶	۵۵/۷۲	۴۴/۳۵	۹۷۹۵۵۶	۵۴۶۰۴۲	۲۳۳۵۵۴	۱۳۵
			۷۶/۵۵	۲۳/۴۴	۲۷۵۵۵۰	۵۰۲۹۶۴۶۱	۱۰/۷۶	۸۹/۲۲	۱۶۸۳۶۳	۱۸۱۲۹۹	۱۵۰۲۳۲	۱۹/۸۱	۸۰/۱۸	۱۹۵۲۵۲۳	۳۸۷۲۳۰	۱۵۶۷۲۵	۳۵-۵۵
									۳۲۷/۱۸	۲۶/۶۲	۳۲۶/۶۳	۳۲۹/۵۲		۳۱۹/۱۳	۳۲/۸۶	۳۱۹/۱۳	%
																۶۱۶۶۲۱۴	۱۳۶۱
																۱۸۲۵۶۵	۵۵-۶۱
																۳۲۹/۶۸	

جدول شماره ۳ - جمعیت خائل مناطق شهری ۱۳۵۵ - ۱۳۶۱

امراض ۶۱ - ۵۵		۱۳۶۱		۱۳۵۵		تصاریف
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
	۹۱۳۵۱۳	% ۱۰۰	۵۰۲۵۱۳۹	% ۱۰۰	۴۱۱۳۶۶۶	جمع
	% ۱۰۰				% ۱۰۰	
	۱۲۳۴۴۹	% ۷	۳۵۳۰۳۸	% ۵۱۶	۲۳۰۵۸۹	کشوری - فکار
	% ۱۳/۴۱				% ۵۱۶	چنگداری - سامگیری
	-۳۳۷۱۵	% ۰/۳	۲۱۵۳۳	% ۱/۳۱	۵۲۳۵۸	استخراج - صادن
	% ۳/۵۸				% ۱/۳۱	
	۷۸۰۷۲	% ۱۹/۳	۹۶۷۱۶۷	% ۲۱/۶۱	۸۸۹۰۹۳	صنعت
	% ۸/۵۵				% ۲۱/۶۱	
	۱۳۳۳۰	% ۱/۳	۶۵۳۰۲	% ۱/۲۶	۵۲۱۷۲	بنیاد گاز، آب
	% ۱/۲۲				% ۱/۲۶	
	-۲۱۳۵۳۲	% ۷	۳۵۳۳۶۶	% ۱۳/۷۹	۵۶۳۳۰۸	ساختمان
	-% ۱۳/۲				% ۱۳/۷۹	
	۱۳۹۹۵	% ۱۱	۵۵۲۱۸۲	% ۱۳/۱۳	۵۲۰۳۸۹	نیروشنه - نظداری - کامداری
	% ۱/۵۲				% ۱۳/۱۳	
	-۱۱۳۶۲	% ۰/۲	۳۱۹۱۷۲	% ۸۱۰۳	۲۳۰۵۳۲	حمل و نقل انبارداری
	-% ۱/۳۲				% ۸/۰۲	
	-۱۶۰۰۰	% ۱/۶	۸۰۳۹۹	% ۲/۲۲	۱۶۳۹۹	خدمات مالی بیمه ملکی تجاری
	-% ۱/۷۵				% ۲/۲۲	
	۹۶۱۰۲	% ۲۷/۹	۱۴۰۰۵۸۰	% ۲۱/۶۹	۱۴۰۳۶۷۷	خدمات اجتماعی شخصی
	% ۱۰/۶۱				% ۲۱/۶۹	
	۸۶۱۵۰۱	% ۱۸/۱	۹۰۹۸۱۶	% ۱/۱۷	۴۸۳۱۵	خدمات بهداشتی تأسیسات
	% ۹۲/۴۰				% ۱/۱۷	

توزیع طبقات بهره‌برداران کبوتر پرورش، تعداد، سلامت، و متوسط زمین در دوره‌های ۱۳۲۹ و ۱۳۵۳

۱۳۵۳				۱۳۲۹				طبقات بهره‌برداران
سلامت به‌هکتار	درصد	مطلق	درصد	سلامت به‌هکتار	درصد	مطلق	درصد	
متوسط زمین	درصد	مطلق	درصد	متوسط زمین	درصد	مطلق	درصد	
-	-	-	۱۷/۱۵	۵۱۳۳۹۷	-	-	۲۲/۲	بهره‌بردار بدون زمین
۰/۷	۴	۷۰۳۵۴۲	۳۵/۳۰	۱۰۵۴۲۸۸	۵	۵۷۰۷۸۵	۳۲/۸	کمتر از ۲ هکتار
۲/۲	۱۱	۱۷۳۸۶۸	۱۸/۰۹	۵۴۱۶۰۲	۱۴	۵۵۳۹۰۶	۲۰/۸	۲ تا ۵ هکتار
۵/۹	۱۸	۲۱۵۳۳۷	۱۳/۳۰	۲۲۷۹۱۵	۲۱	۲۲۱۳۰۳۲	۱۰/۵	۵ تا ۱۰ هکتار
۱۷/۵	۴۶	۷۵۰۰۲۱۱	۱۲/۲۰	۲۱۸۰۸۶	۴۶/۵	۵۲۶۳۷۱۴	۱۳/۲	بیشتر از ۱۰ هکتار
۱۴۴/۶	۲۱	۲۵۴۶۶۰۳	۰/۸۶	۳۵۸۱۵	۱۳/۵	۱۵۵۴۸۰۸	۰/۵۵	۵۰ هکتار و بیشتر
۵/۶۰	۱۰۰	۱۶۲۱۷۲۲۱	۱۰۰	۲۹۹۳۶۶۳	۶/۳۹	۹۱۳۵۶۲۵۹	۱۰۰	جمع

منابع: سرشماری کشاورزی سالهای ۳۹ و ۵۳.

فهرست منابع فارسی:

- ۱- مهاجرت و شهرنشینی در ایران . محمدعلیزاده - کاظم کازرونی ، دفتر جمعیت و نیروی انسانی ، وزارت برنامه و بودجه ، ۱۳۶۳ .
- ۲- مقدمه‌ای بر تئوری حاشیه‌نشینی و مهاجرت‌های بی‌رویه در کشورهای جهان سوم حسن دانش ، دفتر جمعیت و نیروی انسانی وزارت برنامه و بودجه ، ۱۳۶۲ .
- ۳- ویژگی‌های اشتغال صنعتی در ایران ، احمد خزاعی ، وزارت برنامه و بودجه ، دفتر جمعیت و نیروی انسانی ، ۱۳۶۳ .
- ۴- بررسی چگونگی اشتغال‌زایی بخش کشاورزی ، آذر بهبهانی ، وزارت برنامه و بودجه ، دفتر جمعیت و نیروی انسانی ، ۱۳۶۴ .
- ۵- نظام ارضی در روستاهای ایران ، حسن زنده‌دل ، وزارت برنامه و بودجه ، دفتر برنامه‌ریزی‌های اجتماعی ، ۱۳۶۰ .
- ۶- خلاصه برآورد خسارات اقتصادی جنگ‌تحمیلی ، وزارت برنامه و بودجه ، کمیسیون برآورد خسارات جنگی ، ۱۳۶۴ .
- ۷- نشریات سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۵۵ .
- ۸- خلاصه برنامه چهارم عمرانی کشور - سازمان برنامه و بودجه .
- ۹- برنامه پنجم عمرانی کشور - سازمان برنامه و بودجه .

- 1- TODARO, M.P., ECONOMIC DEVELOPMENT IN THE THIRD WORLD, 1977, LONGMAN.
- 2- TODARO, M.P., A MODEL OF LABOR MIGRATION IN LESS DEVELOPED COUNTRIES, A.E.P., 1969.
- 3- TODARO, M.P., THE URBAN UNEMPLOYMENT PROBLEM IN LESS DEVELOPED COUNTRIES, AN ANALYSIS OF SUPPLY AND DEMAND, YALE ECONOMIC ESSAYS, VOL. 8.
- 4- TODARO, M.P. & J.P. HARRIS, MIGRATION UNEMPLOYMENT AND DEVELOPMENT, A TWO SECTOR ANALYSIS, A.E.R., VOL. 60.
- 5- TODARO, M.P., INCOME EXPECTATIONS, RURAL-URBAN MIGRATION AND EMPLOYMENT IN AFRICA, INTERNATIONAL LABOR REVIEW.

پرویش گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
 پرتال جامع علوم انسانی



پروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی